

آنچه خواهم خواند:

کتابهای پیرامون حقوق و حقوق بین الملل اسلامی

در تفسیر همین حقوق در اسلام

الف: منابع اصلی { قرآن، سنت }

منابع حقوق بین الملل اسلامی

ب: منابع فرعی { اجماع، عقل، عرف، قرارداد }

حقوق بین الملل اسلامی در زمان جنگ: ۱- اصالت صلح یا جنگ در اسلام ۲- جهاد و انواع و شرایط آن ۳- اعمال ممنوع

در جهاد اسلامی ۴- حقوق اسیران جنگی ۵- جلوگیری از تقسیم غنائم جنگی از دیدگاه فقه اسلامی

حقوق بین الملل اسلامی در زمان صلح: ۱- اصل باسبندی به قراردادها و تعهدات ۲- اصل حفظ صلح و انسب در جامعه

بین الملل ۳- اصل حکمت ۴- اصل تعاون و مشارکت ۵- ...

مباحث مربوط به حقوق بین الملل خصوصی: ۱- تابعیت ۲- تعارض قوانین ۳- حقوق اقلیت

کتابهای پیرامون حقوق و حقوق بین الملل اسلامی

(right)

حقوق به دو معنا: - جمع "حق": حقوق و استیازات که در یک جامعه به مردم تعلق می کند مانند حق حیات، حق

مالکیت، حق زوجیت، حق انتخاب (حقوق فردی نیز به آن گفته می شود) اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل این گونه حقوق است؛ اگر چه برخی از آن باطل و مایه گمراهی است.

- مربوط می شود به زندگی اجتماعی بشر (Law): مجموع مقررات الزام آوری که در یک جامعه برای تدبیر امور

آن جامعه وضع می شود. در هر جامعه ای دولت قوانین را وضع می کند، برخود اجرائی آن نظارت می کند و با خاطیان برخورد می کند و بدین وسیله ضمانت اجرائی قوانین تضمین می شود.

مفهوم حق و حقوق در آموزه اسلامی: در اسلام حق و حقوق در منابع اسلام به کار رفته است. در قرآن مجید کلمه حق

به کار رفته هم به معنای سهم مشروع، هم به معنای عدالت و هم به معنای وسیله برای جدایی حق و باطل.

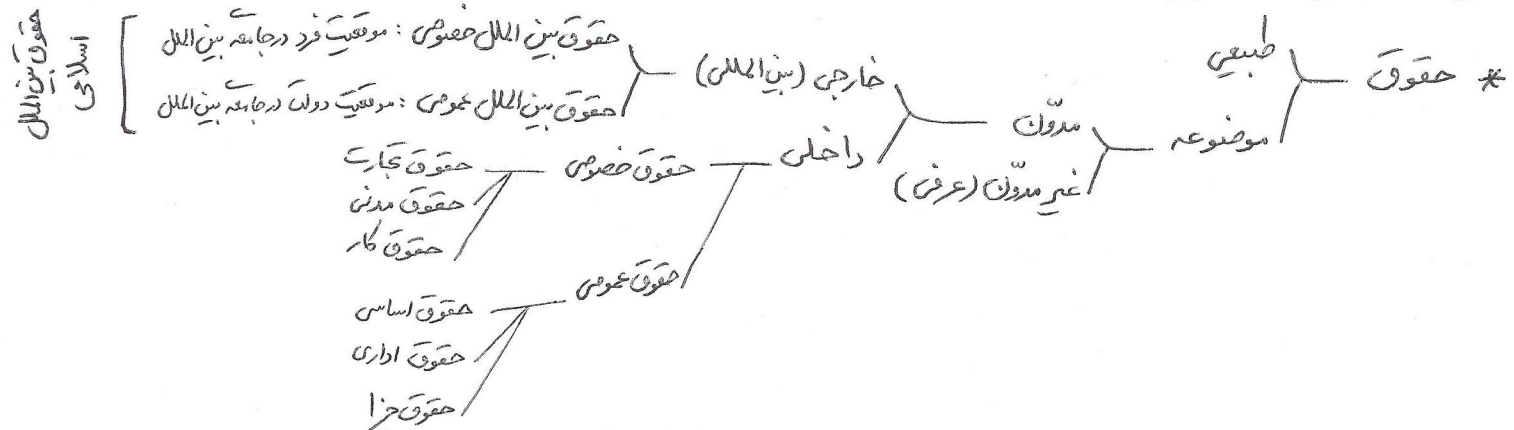
- هو الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ. ← عیث و بیوده نیست.

- يَا دَاوُدَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ. ← عدالت

- فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلنَّاسِ وَالْعَرْمِمْ. ← سهم مشروع

به گونه ای است که نمی تواند هرگونه تصریح نماید؛ مانند اموال عمومی که منشاء است. بدین معنا حق، مرتبه ای ضعیف تر مالکیت است؛ مالکیتی که هرگونه تصریح را در ملک جاری می داند. یکی از اسامی این نیز «حق» است. چون در خداوند هیچ گونه نقص و کاستی وجود ندارد.

تقسیمات و جایگاه حقوق بین الملل اسلامی



حقوق بین الملل اسلامی :: دکتر طباطبائی :: جلسه سوم [هفته ۳] :: ۲۸، ۱۱، ۹۳

حقوق طبیعی: حق حیات، حق صبران خسارت

حقوق موضوعه: یا از سوی مکاتب یا از سوی ادیان یا از سوی حقوقدانان در جوامع برای استیفای حقوق و جلوگیری از تجاوز و تعدی وضع شده است. به روایتی تقسیم می شود:

- حقوق غیر مدون: به طور رسمی نوشته نشده است. مانند قانون اساسی انگلستان. بر اساس عرف جامعه و بنیادین دینی در نظر گرفته می شود.

- حقوق مدون.

ویژگی های حقوق در اسلام: به صورت عمومی در چند مورد عمده می توان خلاصه کرد:

- ۱- ریشه ای حقوق در اسلام - چه در حوزه خصوصی و چه در حوزه عمومی - ریشه ای و صدیقی است (قرآن و سنت). به طور کلی احکام و آموزه های اسلام به چند بخش تقسیم می شود: اول (عقاید، توحید، نبوت، ...) که تکلیفی نیست. دوم (عبادات: جنبش از آن جنبه سبزی داد و بخش دیگر جنبه اجتماعی دارد. سوم) احکام: جنبش از آن مربوط به امور مشخص است و بخش دیگر مربوط به حوزه های اجتماعی. چهارم) اخلاق: درجه ای مساعدت های زندگی مسلمانان است. سایر اقلیت است.

تأسیس: در حوزه های عبادات؛ عباراتی است که خدا فرموده است.
 امضایی: در احکام اجتماعی، مثل معاملات بین افراد است.

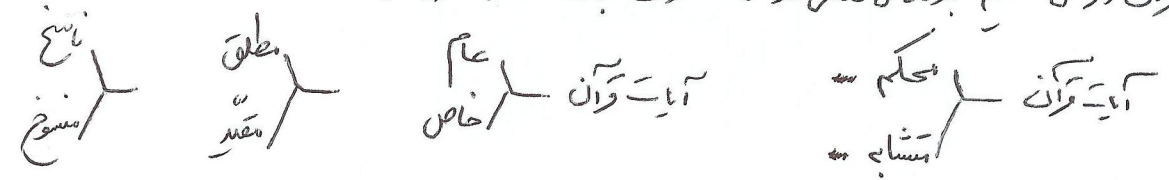
در حوزه های معاملات بین المللی (حقوق بین الملل) نیز احکام و تقسیمات مشابهی وجود دارد.

۲- قوانین اسلام در حوزه های مختلف مطابق با فطرت است. خداوند در حجت برای انسان لا و اراده: حجت ظاهری (انبیا) و حجت باطنی (عقل).

۳- در حقوق داخلی و خارجی منابع اصلی حقوق یکسان است. در حقوق ظاهری و بین المللی با توجه به جدید بودن بسیاری از مباحث از جمله (حقوق فضا، حقوق دریایی، حقوق ارتباطات...) مسائل عقلی و عرفی که مستظهر به شرع باشد، اهمیت بیشتری دارد.

منابع حقوق بین الملل اسلامی: قرآن - سنت - اجماع - عقل - عرف - قرارداد.

قرآن اصلی ترین منبع در تمام سلفه های حقوق، احکام، اخلاق و آن چه برای سعادت انسان لازم است، به شمار می رود که در طول ۲۳ سال بر پیامبر نازل شده است؛ به دو گونه: انزال: نزول دفعی (انا انزلناه فی لیلۃ القدر) و تنزیل: نزول تدریجی. آیات قرآن دارای تقسیم بندی های مختلفی اند که مفسران بران اشاره کرده اند:



در قرآن بیش از ۳۰۰ آیه وجود دارد که در مورد حقوق بین الملل اسلامی قابل استناد است. عده ای آیات قرآن (حدود ۱۰) مربوط به معاد است.

سنت: قول، فعل و تقریر معصوم (ع). در سنت روایات معادسی چه در حوزه عمومی و چه در حوزه خصوصی حقوق بین الملل قابل استناد است. برخی کتب مثل: الاستبصار، امالی شیخ طوسی، جبار الانوار، کافی، تهذیب، وسائل الشیعه، من لا یحضره الفقیه شامل این نوع روایات است. اگرچه بسیاری از مسائل جدید است ولی می توان اسل آن را از همین روایات دریافت. سنت، شارح و تکمیل کننده قرآن است. لذا است که پیامبر اهل فرمودند: من دوسر کبرانیها در میان شما نه نهادم: قرآن و عرک.

حقوق بین الملل اسلامی :: دکتر احمدی طباطبایی :: جلسه چهارم [هفته ۴] :: ۵، ۱۲، ۹۳

- اجماع: از حیاط لغوی به معنای اتفاق نظر. اهل سنت می گویند: اتفاق علماء المسلمین علی حکم. برخی دیگر از اهل سنت می گویند اتفاق اهل الحل و العقد. برخی دیگر می گویند: اتفاق امه محمد علی سید. روایاتی نیز هست؛ از جمله: «لا یتجمع امشی علی الخطأ»، «ما رآه المسلمون حسناً فهو عند الله حسن» البته این گونه روایات مورد قبول شیعه نیست.

از نظر شیعه، اجماع اتفاق علماء حکم است به شرطی که کاشف از امر معصوم باشد. مثلاً زن مسلمان نمی تواند

شهر غیر ملان داشته باشد.

برین ترتیب اجماع یک دلیل مستقل نیست، بلکه اگر نظر معصوم قابل استخراج باشد، حجت است. لذا هر توان اجماع را داخل در سنت است. اجماع، خودش موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد.

اجماع / عقل : خود فقیه یا بررسی به آن می رسد.
منقول : برای فقیه نقل شده است.

در حقوق بین الملل اسلامی، اجماع زیاد کاربرد ندارد.

- عقل : عقل را می توان از زوایای مختلف بررسی کرد.

اصولون به اعتبار مدارک عقل، عقل را به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می کنند:

عقل نظری : ادراک ما ینبغی ان یعلم .
عقل عملی : ادراک ما ینبغی ان یعمل .
له درک و اعتبار
له درک اعمال خوب و بد

در حوزه عبادات نه عقل نظری و نه عقل عملی کاشف احکام شرعی نیستند؛ چرا که احکام شرعی، توقیفیه هستند.

اما از طریق ملازمه، عقل می تواند محدودی به احکام الهی دست یابد. برای مثال، عقل می گوید عذاب بلا بیان، صحیح است. این گونه احکام از طریق ملازمه با برائت شرعی حاصل می شود.

دلیل عقلی که در اصول بحث می شود، ناظر به همین موارد است.

کار عقل، یافتن مصادر و جزئی احکام کلی است. بعضی از مسائل، مستحده است؛ لذا عقل با استفاده از اساس دین به اجتهاد دست می زند و مسائل مستحده مانند حقوق دریا، حقوق فضا و... را توضیح می دهد.

از موارد دیگر کاربرد عقل، در حوزه مباهات و مسکوت است. آن چه که مخالف شرع نباشد و برای منافع و مصالح است؛ مانند مذاکره با آمریکا.

- عرف : که از منابع مهم حقوق بین الملل معاصر است، رفتاری است که به مرور زمان الزام آورنده به گونه ای که در عرف داخل و عرف بین الملل عمل به آن مهم است.

در عرف چند اصل مهم است:

۱. تکرار و استمرار

۲. مرور زمان

۳. اعتقاد دولت

عرف در حقوق اسلامی بین سر در کشف موضوع حکم مؤثر است؛ مثلاً داریم هر چه که بدون ضرر می زند، حرام است؛
حالا اگر سبّ حرام است یا نه؟ کشف مصادرین ضرر، توسط عرف است.

در حقوق بین الملل عمومی، کاربرد عرف زیاد است. در دیوان لاهه دومین منبع حل اختلافات بین کشورها، عرف است.
در حقوق بین الملل اسلام نیز کاربردهایی دارد به شرطی که مخالف با احکام الهی نباشد.

- قرارداد: در حقوق بین الملل اسلامی و بین الملل عمومی هیچ اصل یا اجتهاد و فاداری به قرارداد نیست.
و خصوصاً

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ »

کے «ال» جنس است یعنی تمام بیگانه ها.

« أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ عِنْدَ مَسْئُولًا »

امیر المؤمنین (ع) در نامه به مالک اشتر: « بیاداً قرارداد این که بادشنت بسته، با خیال کنی ... »

در احادیث داریم که ۳ چیز است که چه در مورد مسلمان و چه کافر باید وجود داشته باشد: وفاداری به عهد، رد امانت، اصرام به پدر و مادر.
دیوان بین المللی دادگستری (لاهاه) اولین منبع حل و فصل اختلافات کشورها را قرارداد می داند.

مراحل تکوین و شکل گیری حقوق بین الملل اسلامی :

به طور کلی احکام و مقررات و اصول اسلامی رسیده در عصر دارد. مهم ترین مراحل که از آغاز و هم تا امروز در حقوق
بین الملل اسلامی گذشته است، عبارتند از:

۱ « انشاء احکام الهی (تشریح) : احکام و حدود الهی به پیامبر ابلاغ شده است.

۲ « ابلاغ : وظیفه اصلی پیامبر بعد از دریافت احکام، ابلاغ آن است. در دو مرحله انجام شده است: اول،
دعوت به دین نبت به خویشاوندان و دوم، تبلیغ عمومی نسبت به تمام قبایل و مردم جزیره العرب.

۳ « دست بردن آیات : در برخی روایات آمده که این کار در زمان خود پیامبر صورت گرفته است. با رحلت پیامبر، حضرت علی (ع)
قرآن کامل را جمع آوری نمودند.

۴ « تفریع : مرحله شرح و بطن احکام مندرج در قرآن که هم پیامبر و هم ائمه در آن نقش داشته اند. این وظیفه
در دوران غیبت، بر عهده فقهاست.

۵ « تدوین احادیث (سنت) : هم در زمان پیامبر و هم پس از ایشان علاوه بر اصحاب به دنبال این کار بوده اند؛
هر چند خلفه در وقت خلف جمع آوری احادیث در عرض قرآن بود.

۶ « ظهور بزرگان اعتبار و استناد : در زمان معصومین دست به تدوین احادیث زدند و در دو عهد ایجاد کردند.

غیراً انجام شده است.

۷ «تدوین فقه»: به صورت مستقل شکل گرفت. کتاب اربعه مهم ترین منابع فقه هستند.

۸ «تدوین روش های استنباط احکام دین»: همان علم اصول است که در آن قواعدی بحث می شود که آن قواعد در استنباط احکام شرعی مورد استناد قرار می گیرد.

۹ «تفکیک ابواب فقه»: کتاب الصلاة، کتاب الجهاد، کتاب البیوع، ... نوشته می شود.

۱۰ «مرحله ی نوین تدوین حقوق بین الملل اسلامی»: فقها و علما با استفاده از متون و روایات و تاریخ توانسته اند احکام حقوق بین الملل اسلامی را به گونه ای نوین تدوین نمایند. تدوین ها صد ساله ای اخیر در این زمینه موثر بوده است.

حقوق بین الملل اسلامی :: دکتر احمدی طباطبایی :: جلسه پنجم [هفته ۵] :: ۱۲/۱۲/۹۳

«حقوق بین الملل اسلامی در زمان جنگ»

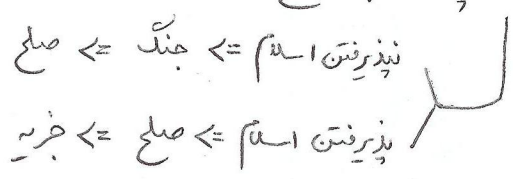
مباحث مرتبط به جغرافیای سیاسی جهان و تقسیم بندی آن در متون فقهی کلاسیک:

۱. دارالاسلام
۲. دارالحرب
۳. دارالذمه
۴. دارالعهد
۵. دارالامان
۶. دارالهدنة
۷. دارالحیاد
۸. دارالصلح
۹. دارالاستضعاف
۱۰. دارالرهرة
۱۱. دارالبغض
۱۲. دارالردة

۱. دارالاسلام

به آن بخش از قلمروها اطلاق می شود که تحت نفوذ مسلمانان و قوانین اسلام بوده است.

علامه حلی: دارالاسلام شامل بلادی است که احکام اسلام در آن جاری است و به ۳ قسمت تقسیم می شود: الف) بلادی که خود مسلمانان ایجاد کرده اند؛ ب) بلادی که از طریق فتح به دست مسلمانان افتاده است. ج) بلادی که از طریق صلح به مسلمانان رسیده است. از دو راه: ۱) پس از جنگ صلح شده است یا ۲) بر دین خود باقی می ماند و جزیه می دهند.



از لحاظ فقهی قرأت لای مختلف از دارالاسلام و خارج آن با دارالحرب وجود دارد.

نظریه مشهور: نظریه علامه حلی: احکام و شعائر اسلام در آن برقرار است. تجاوز به این سرزمین ها،

دستمان از دارالاسلام خارج نمی‌شود.

فارق اصلی

✓ روی امان و عدم امان تکلیف نکند. اگر به اهل سرزمین که مسلمان نیستند و به آن امان داده شود، دارالاسلام است.

✓ بر اساس قرار داد صلحی که بین مسلمانان و غیر مسلمانان بسته می‌شود، از لحاظ ایدئولوژیک سرزمین را به ۳ دسته تقسیم می‌شود:

۱. دارالاسلام: سرزمین های مسلمانان.

۲. دارالحرب: سرزمین های است که معاهده ای بین ساکنان آن ها و مسلمانان برقرار نشده است.

۳. دارالعهده: بلادی است که مسلمانان بدون جنگ، قرن ل با انعقاد قرارداد مبارک می جنگ و قرارداد دمه بر آن است. استیلا یافته اند ولی اهل آن عقاید خود را حفظ کرده اند.

✓ نظریه سه عده ای از حقوق دانان متأخر: نباید تصور شود اسلام، جهان را به دو اردوگاه ورود و تقسیم کرده است. اصل و اساس بین مسلمانان و غیر مسلمانان صلح است و جنگ عرض است. با خاتوش شدن مسئله جنگ (که امری عارضی است) دارالحرب بی معناست. جهاد فقط برای دفاع است.

البته برخی ایراد گرفته اند که دارالاسلام و دارالحرب اصل هستند.

۲. دارالحرب

به سرزمین های اطلاق می‌شود که خارج از قلمرو اسلام است و مانند قوانین اسلامی است و حکومت آن غیر شرعی است؛ مانند مکه قبل از فتح مکه.

شهبان در کتاب «سیر الکبری» ملک اصلی را حکمیت می‌داند که تعریف جامع نیست.

در مذهب حنفیه بر امنیت تأکید شده است؛ هر جا ای که مسلمانان امان داشته باشند، دارالاسلام است.

امنیت نیز از چند راه به هم می‌خورد: ۱- احکام کفر در بلاد اسلامی اجرا شود. ۲- هم جوری و تقابلی شد با دارالحرب ۳- ترک سرزمین.

از نظر شیعه، دارالحرب حاسی است که احکام اسلامی در آن نفوذ ندارند.

۳. دارالذمه

(یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان)

به سرزمین غیر مسلمانان اهل کتاب اطلاق می شده است که با مسلمانان قراردادی داشته به نام قرارداد ذمه . دارالذمه به اتفاق فقها در مورد سرزمین غیر مسلمانان اهل کتاب است که مسلمانان می توانند قرارداد ذمه ببندند . اما در مورد سرزمین غیر مسلمانان غیر اهل کتاب ، مسلمانان نمی توانند قرارداد ببندند . برخی نیز معتقدند قرارداد ذمه می تواند با همی یهودان ، عقیان و ادیان غیر اسی بسته شود ؛ مثل هندوها

۴. دارالعهد

همان دارالذمه است و معاهد و ذمی یکی است .

سرزمین های ذمی نشین یا کنگه در داخل دارالاسلام . مثل جلفا در اصفهان

سرزمین های دارالعهد } مناطق متمرکز ذمی نشین در دارالاسلام . مثل مصر و سوریه

سرزمین های که مردمان بیرون آیین های غیر اسی هستند و خارج از دارالاسلام هستند و حاضر به پذیرش قرارداد ذمه هستند

حقوق بنی الملل اسلامی :: دکتر احمدی طباطبائی :: جلسه ششم [هفته 7] :: ۱۹، ۱۲، ۹۳

برخی گفته اند دارالعهد عام از دارالذمه است .

۵. دارالامان

امان دادن در قدیم در جنگ با و درگیری با بی راهی رایج بوده است . هم چنین سفرا در امان بودند . حتی اگر در میان جنگ نیز گاهی تقاضای امان می شد .

علامه حلی می گوید : عقد الامان ترک القتال اجابه سوال الکفار بالاموال .

به کسانی که به آن لایه داده می شد « مسامین » نامیده می شد . و لایه دهفته « مسامین » نامیده می شد .

وَ اِنْ اَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَاجِرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ... ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمِنَهُ ﴿۱۱۳﴾

امروزه امان در قالب ویزا در آمده است .

سرزمین های مسلمان ها بر اساس قرارداد های عهدنامه ای بود ؛ ترک جنگ به مدت طولانی بود ، دارالامان نامیده می شده است .

۶. دارالهدنه

هدنه یعنی ترک جنگ به صورت موقت.

دارالهدنه سرزمینی است که مربوط به دارالحرب است؛ زمانی که جنگ در آن رخ دهد، درخواست ترک موقت جنگ شود، به آن دارالهدنه می‌گویند.

- تفاوت ای دارالهدنه و دارالذمه :

۱- قرار ذمه فقط با اهل کتاب برقرار می‌شود اما قرارداد هدنه با همه مسلمانان و غیر مسلمانان برقرار می‌شود.

۲- قرارداد ذمه طولانی است مگر این که نقض شود؛ اما قرارداد هدنه محدود است.

۳- در قرارداد ذمه شرط مالی وجود دارد یعنی اهل کتاب باید سبزی و زرد چیزی بدهند در قبال تأمین امنیت توسط مسلمانان؛ ولی در قرارداد هدنه شرط مالی الزامی نیست.

۷. دارالحیاد

حیاد یعنی بی طرفی.

دارالحیاد سرزمینی است متعلق به غیر مسلمانان زمانی که در جنگ با دارالحرب، اعلام بی طرفی می‌شود. در مناقشات میان دارالاسلام و دارالحرب قسمتی از دارالحرب اعلام بی طرفی کند.

۸. دارالصالح

قرارداد صالح می‌تواند قرارداد مستقل باشد و در مناقشات میان دارالاسلام و دارالحرب، بنا به مصالحی، قرارداد صالح بسته شود. در قرارداد صالح نباید شروط مخالف شرع گذاشته شود.

۹. دارالاستضعاف و ۱۰. دارالهمجرة

اصطلاح اصالتاً قرآنی است. به سرزمین ~~غیر~~ ^{افراد} اطلاق می‌شود که در منطقه‌ای هستند که یا غیر مسلمان هستند و یا مسلمانان هستند که نمی‌توانند احکام اسلام را اجرا کنند و یا در یافت کنند؛ که در این صورت باید صحبت کنند.

بیا مبر اکرم اطمنن فرماید: مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ اَرْضِ الْاِیْمَانِ وَاِنْ كَانَ شِرْاُ مِنْ الْاَرْضِ اسْتَوْجِبَ الْجَنَّةَ.

اولین هجرت در اسلام به حدیث صورت گرفت.

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ النَّبِيَّ فَذَكَرُوا فِيكُمْ كَلِمَاتٍ مُنكَرًا وَجَبْرًا فَقَالُوا هَذِهِ لَأَمْثَلُ الَّذِي أَقْرَبُوا وَمَنْ يَأْتِ اللَّهَ بَشَاءٍ فَنَزَلْنَا بِالْغَيْبِ مُطَاعًا ۗ بِئْسَ الْبَرَاءَ مَا يُجْرِبُونَ﴾
 باید به سرزمین مهاجرت سود که دارالکعبه نامیده می شود. مدینه دارالکعبه بود که بر تمام مسلمانان واجب بود که به آن جا مهاجرت نمایند.

۱۱. دارالبغی

بغی به معنای نافرمانی و تجاوز و نوعی شورش است. باغی کسی است که بر علیه حکومت مشروع اسلامی دست به قیام و شورش بزند؛ برخی گفته اند شورش مسلمانان.

در زمان حضرت علی (ع) گروه ۳ برایشان شوریدند:
 اول) ناکشین (بیان شکنان) که جنگ جمل را تحمیل کردند؛ طلحه، زبیر، عاصی.
 دوم) قاسطین (ظالمان) که جنگ صفین را تحمیل کردند؛ معاویه، عمرو عاص.
 سوم) خوارج که جنگ نهروان را راه انداختند.

دولت اسلامی در درجه اول وظیفه دارد که با باغیان برخورد نکند و ارشادشان نماید؛ اما اگر ادامه بدهند و دست به شورش بزنند، باید با آن ها برخورد شود.

۱۲. دارالردّه

اگر کسی مسلمان شود و بعد از آن دست از دین بگیرد، مرتد است.
 مرتد $\left\{ \begin{array}{l} \text{فطری: پدر و مادرش مسلمان هستند. خودش هم مسلمان می شود؛ بعداً مرتد می شود.} \\ \text{مشی: پدر و مادرش مسلمان نیستند. خودش مسلمان می شود؛ سپس مرتد می شود.} \end{array} \right.$

اگر مرتد در یک سرزمین از دین اسلام برگردد، به آن جا دارالردّه می گویند.

حقوق بین الملل اسلامی :: دکتر احمدی طباطبائی :: جلسه هفتم [حفته ۶] :: ۹۳، ۱۲، ۱۹
 حقوق بین الملل اسلامی در زمان جنگ

اصولت صالح با صفت در اسلام